

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

امام صادق علیه السلام

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

سیره اقتصادی امام صادق علیه السلام

(آیت الله مکارم شیرازی)



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

از آن جا که سعادت و پیروزی معنوی یک جمعیت بدون «اقتصاد غنی و سالم» ممکن نیست، لذا اسلام به عنوان یک مذهب پیشرو و مترقی این مسأله مهم را در متن برنامه های خود گنجانیده است.[۱]

از این رو اقتصاد اسلامی را به عنوان یک مکتب مشخص در برابر مکاتب دیگر قرار می دهد.[۲] چرا که احکام اسلام تعطیل بردار نیست، و از آنجا که حکومت اسلامی از مهمترین مسائلی است که مسلمانان با آن سر و کار دارند و قسمتی از پایه های این حکومت بر مسائل اقتصادی نهاده شده است.[۳]

مکتب اقتصاد اسلامی به آن پایگاه فکری و مبانی عقیدتی و اخلاقی گفته می شود که از کتاب و سنت به دست می آید و اصول و قواعد مذهب اقتصادی اسلام را توجیه و تفسیر و ارزشگذاری می کند.[۴]

البته باید دانست اگر حیات اقتصادی اسلام به تجربه حسی خارجی نرسد مفهوم عملی جامع و شاملی را به ارمغان نمی آورد، زیرا بسیار اتفاق می افتد که اختلاف میان حیات واقعی نظام اقتصادی و این گونه تفسیرهای مبتنی بر فرض، فاحش است، خصوصا اینکه یکی از عوامل بسیار مؤثر در سیر اوضاع اقتصاد اسلامی، عنصر معنویت عمومی و مسائل روحی و فکری جامعه است و شکی نیست که معنویت عمومی از درجه معین و محدودی برخوردار نیست که بتوان آن را فرض کرد و نظریات علمی مختلفی را بر آن مبتنی ساخت.[۵]، [۶]

اینگونه است که اسلام برای تنظیم حیات اقتصادی و حل معضلات، عملی بر گزیده است و به تعبیر بعضی از اندیشمندان: اصول کلی اقتصادی نظیر مالکیت مختلط از

خصوصی، عمومی و دولتی و الغای بهره و حرمت ربا... از قرآن و سنت استخراج می شود].۷]

ارزش کار و تلاش ؛ لزوم اهتمام به فعالیت های اقتصادی

روایات مربوط به اهمیت کار و تلاش ، کسب و تجارت، طلب روزی حلال، توسعه و آبادانی، خودکفایی و استقلال [۸] اقتصادی و ... همه به نوعی حکایت از اهمیت فعالیت های اقتصادی و جایگاه بلند آن می کند، بسیار گسترده و متنوع است [۹] بلکه یکی از عوامل پیشرفت اقتصادی جوامع، کار و تلاش است. کار در اسلام عبادت شمرده شده و تلاش برای زندگی در رتبه جهاد فی سبیل الله قرار گرفته است. سیره عملی ائمه اطهار علیهم السلام بر کار و تلاش بود. [۱۰]

در اسلام به کار سفارش شده و تفاوتی ندارد که چه نوع کاری باشد. به بیان دیگر: از نظر اسلام، کار، عار نیست مهم آن است که مفید و سودمند به حال جامعه باشد. متأسفانه گروهی از مردم تنها حاضر به قبول کارهایی هستند که آن را در شأن خود می پندارند و کمتر از آن را ذلت می شمارند. در روایات اسلامی وارد شده که زمانی معروف، منکر و منکر، معروف خواهد شد. [۱۱] به نظر می رسد، مسئله مورد بحث یکی از مصادیق این روایات است. بعضی می پندارند کسی که کار کند و سخت کوش باشد انسانی حریص است و مرتب عده ای به او می گویند تا کی و برای کی؟ و چرا؟ آمار نشان داده ملت هایی مانند مردم چین و ژاپن که به هر نوع کار مفیدی افتخار می کنند و بیکاری را ننگ می دانند، به سرعت پیشرفت کرده اند. در اسلام

از کشاورزی و چوپانی و صنعتگری و تجارت ستایش شده، هر چند افرادی که از تعلیمات اسلامی بیگانه اند، بعضی از این کارها را در شأن خود نمی دانند.[۱۲]

حال آنکه امام صادق علیه السلام بیل به دست می گرفت و در باغ خویش کار می کرد و عرق می ریخت. کسی به ایشان عرض کرد: اجازه بدهید من به جای شما کار کنم؛ فرمود: «إني احب أن يتأذى الرجل بحر الشمس في طلب المعيشة؛ من دوست دارم که انسان در طلب معیشت و روزی، با حرارت آفتاب آزار ببیند».[۱۳]، [۱۴]

تقیح پدیده تن پروری و تکدی گری در اسلام

روشن است کسی که به کار و تلاش نپردازد و به تأمین معاش خویش همت نگمارد، باید از دسترنج دیگران بهره گیرد و می دانیم که سربار جامعه شدن مورد نکوهش شدید اسلام است.[۱۵]

بنابراین طبیعی است که زاهد مسلمان برای سربار دیگران نشدن و محتاج به دسترنج دیگران نبودن؛ به [۱۶] کار و تلاش روی می آورد و از تن آسایی و تن پروری دوری می کند.[۱۷]

لذا در فرهنگ اسلامی تکدی و دست دراز کردن نزد دیگران جز در موارد بسیار ضروری مورد مذمت قرار گرفته است و از مؤمنانی که با نیاز شدید از روی عفاف، از آبروی خود محافظت کرده، و فقر خود را آشکار نمی سازند، تجلیل شده است.[۱۸]

حدیث از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «رحم الله عبدا عف وتعفف وكف عن المسأله، فانه يعجل الذل في الدنيا و الآخرة؛ خدا رحمت کند بنده ای را که عقیف و خویشتن دار باشد و از نیازگویی به دیگران پرهیزد، زیرا این کار به خواری وی در دنیا و آخرت شتاب بیشتری می دهد.» [۱۹]، [۲۰]

لازم به یادآوری است که هر چند فقرا و نیازمندان تا آنجا که ممکن است باید از واگویی نیازهای خود به ثروتمندان پرهیزند؛ ولی این مسئله با تلاش ثروتمندان برای شناسایی نیازمندان واقعی جامعه و رفع نیاز آنان منافات ندارد. مؤمنان ثروتمند باید نیازمندان جامعه را شناسایی کنند و محترمانه نیازهای آنها را مرتفع سازند. [۲۱]

**عکس العمل امام صادق (علیه السلام) در برابر گران فروشی؛ کسب روزی حلال
مجاهده در راه خدا**

گاه می شود که فروشندگان یک متاع آن را احتکار نمی کنند؛ ولی با تبانی یکدیگر قیمت آن را [۲۲] بیش از حد معمول بالا می برند و متعهد می شوند که هیچ کس کمتر از فلان مبلغ نفروشد. این کار معمولا در جایی صورت می گیرد که تقاضا برای جنسی بسیار زیاد باشد. این هم یکی از اشکال ایجاد بازار سیاه و در دنیای امروز مخصوصا در کشورهای صنعتی بسیار رایج است، این کار نیز در اسلام ممنوع شمرده شده است. [۲۳]

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که روزی آن حضرت غلامش را که «مصادف» نام داشت، خواست و به او هزار دینار داد و گفت: با این پول متاعی تهیه

کن و برای تجارت به مصر ببر. او نیز اجناسی را خریداری کرد و همراه جمعی از
تجار به مصر رفت؛ هنگامی که به نزدیک مصر رسیدند، قافله ای از مصر خارج می
شد؛ از آنها درباره ارزش آن متاع در بازار مصر پرسیدند، آن متاع از نیازمندی های
عامه مردم بود و آنان در پاسخ گفتند: [۲۴] در مصر یافت نمی شود (و مردم سخت
به آن نیازمندند). اینان با هم عهد بستند و هم قسم شدند که متاع خود را به دو
برابر قیمت بفروشند. سرانجام آنها با سود خوبی به مدینه برگشتند. وقتی که
«مصادف» به محضر امام صادق علیه السلام رسید دو کیسه که هر کدام حاوی هزار
دینار بود، جلوی آن حضرت گذاشت و عرض کرد: این هزار دینار اصل مال و آن
یک نیز سود تجارت است. [۲۵]

امام صادق علیه السلام فرمود: این سود زیادی است مگر چه کردید؟ مصادف ماجرا
را برای امام علیه السلام نقل کرد.

امام علیه السلام با ناراحتی و شگفتی فرمود: « شما بر ضرر مردم مسلمان چنین
سوگند خوردید که متاع خود را جز به سود دو برابر به آنها نفروشید. » [۲۶]

آن گاه فرمود: «این (هزار دینار) اصل مال است که آن را بر می دارم و نیازی به آن
سود (هزار دینار دیگر) ندارم. سپس افزود: «یا مصادف مجادله السیوف أهون من
طلب الحلال؛ ای مصادف پیکار با شمشیر از به دست آوردن مال حلال آسان تر
است.» [۲۷]، [۲۸]

این دستور زنده اخلاقی را با آنچه در دنیای امروز می گذرد که گاه نه به دو برابر، بلکه متاعی را با ایجاد بازار سیاه به چندین برابر می فروشند مقایسه کنید و تفاوت این دو مکتب را دریابید]. ۲۹]

جانم به فدایت ای رهبر جهانیان با این که نیازمند به پول برای خانواده خود بودی، راضی به این معامله پرسود نشدی؛ آری در مکتب آن امام همام، طلب مال حلال مشکل تر از شمشیر خوردن است!.

و تو ای برادر مواظب باش و به خیال زیاده خواهی، حق و ناحق نکن، اگر فکر می کنی، با کلاه گذاشتن بر سر مردم رزق و روزیت زیاد می شود فکر درستی نیست و بدان که، اگر معامله با طیب و رضایت برادر دینیت نبود، به فعل حرام مرتکب شده ای، و مالی که از حرام آید علاوه بر عذاب اخروی مالی بی برکت است، سعی کن حرمت مال مسلمان را نگاه داری]. ۳۰]

ای عزیز به خداوندی که تو را خلق کرده، و تا حال روزی داده، بیشتر از آنچه باید به دست تو رسد، نمی رسد، پس زیاد خود را خسته مکن، به امید خدا به سر کار خود رو و با کسب حلال امور خود بگذران، اگر حق را باطل کردی، و فکر کردی مال بسیار به هم زدی چه بسا در جایی از دست دهی که خود نمی فهمی، و اگر حساب کنی می بینی آن مقدار که بنا بوده به تو رسد همان مقدار باقی مانده ای است که در دست تو است]. ۳۱]

توصیه امام صادق(علیه السلام) درباره طلب معیشت

در آیات قرآن و روایات اسلامی بر این معنا تأکید شده است؛ که خدا برای هر موجودی رزق و روزی ای معین کرده که به او می رسد؛ در آیه ۶ سوره «هود» می خوانیم: «وما من دابة فی الأرض إلا علی الله رزقها ویعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین»؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند.» [۳۲]

هدف از این تعبیر در کلام آسمانی، این است که انسان از حرص زدن پرهیزد و به زندگی معقولی قانع باشد تا آلوده حرام نگردد و میدان را برای دیگران نیز باز بگذارد، در عین حال که انسان باید برای به دست آوردن روزی سعی و کوشش کند. [۳۳] امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «لیکن طلبک المعیشه فوق کسب المضیع دون طلب الحریص؛ باید تلاش تو برای به دست آوردن روزی فراتر از افرادی باشد که سستی می کنند و ضایع می سازند و کمتر از کسانی باشد که حرص می زنند و آز و طمع بر آن ها غالب است.» [۳۴]، [۳۵]

پویایی اقتصادی در پرتو تدبیر معیشت

در منابع اسلامی روی مدیریت کارآمد و شایسته، تأکید فراوان شده است، [۳۶]] ناگفته پیداست منظور از تقسیم ارزاق، تقسیم بر حسب تلاش ها و کوشش ها و [۳۷] لیاقت هاست، نه اینکه خداوند تضمین کرده باشد رزق و روزی هر کس را به در خانه او آورده و تحویل دهد، گر چه گاهی انسان «من حیث لا یحتسب» و از جایی که انتظار ندارد، بهره ها می برد، ولی این یک اصل و قانون نیست، بلکه اصل و قانون، تلاش و کوشش و مدیریت و ابتکار است. [۳۸]

شخصی به نام ایوب بن حر نقل می کند که گفته است: «سمعت رجلا يقول لأبي عبدالله عليه السلام: بلغني أن الاقتصاد و التدبير في المعيشه نصف الكسب، فقال أبو عبدالله عليه السلام لا، بل هو الكسب كله و من الدين التدبير في المعيشه؛ شنیدم شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به ما گفته اند اقتصاد و مدیریت صحیح در زندگانی، نیمی از کسب است. حضرت فرمود: خیر، بلکه همه کسب است و تدبیر در معیشت بخشی از دین است.» [۳۹]، [۴۰]

اسراف و تبذیر آفت اقتصاد و معیشت

بدیهی است تبیین زیانها و پیامدهای اسراف و آثار مثبت و فواید میانه روی، هم چنین بازتولید آیات، روایات و سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم در باب نکوهش و تحریم از اسراف، جامعه را از رویکرد به اسراف بیمه می کند. [۴۱]

اسراف نابود کردن نعمت های الهی است و مقابل آن، اقتصاد در معیشت است که در روایات از آن به «تقدیر المعیشه» [۴۲] تعبیر شده است. [۴۳]

از نظر اسلام هر گونه مصرفی که در نعمت های الهی بخواهد صورت بگیرد (از اطعام و لباس و سوخت، وسایل زندگی و مسکن، حتی انفاق و نفقه) باید همراه با اعتدال و میانه روی باشد و انسان حد و اندازه را نگه دارد و از افراط (اسراف) و تفریط (بخل امساک) پرهیزد. [۴۴]

لذا امام صادق علیه السلام می فرماید: «ضمنت لمن اقتصد أن لا يفتقر؛ برای کسی که مراعات اقتصاد و اعتدال بنماید من ضمانت می کنم که فقیر نشود». [۴۵،] [۴۶]

سخن آخر

در خاتمه میلاد امام صادق (علیه السلام) را به همه مسلمانان تبریک عرض می کنم و امیدوارم عنایت آن امام همام شامل حال مسلمانان باشد و مشکلات جهان اسلام به ویژه چالش ها و بحران های اقتصادی امت اسلامی به برکت پیشوای بزرگ مذهب جعفری امام صادق علیه السلام مرتفع گردد. [۴۷]

پی نوشت:

[۱] اسلام در یک نگاه؛ ص ۸۵

[۲] برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۱؛ ص ۶۷۲

[۳] تفسیر نمونه؛ ج ۲۳؛ ص ۵۰۹

[۴] دائره المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۳۰

[۵] ر.ک: اقتصادنا، ص ۳۱۵ / ۳۱۹

[۶] دائره المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۳۲

[۷] محاضره عن الاقتصاد الاسلامی، دكتور محمد العربی، ص ۱۸

٨ [دائره المعارف فقه مقارن ؛ ج ٢ ؛ ص ٤٢،

٩ [همان؛ ج ٢؛ ص ٤٣،

١٠ [دائره المعارف فقه مقارن ؛ ج ٢ ؛ ص ١٨٢،

١١ [كافى، ج ٥، ص ٥٩، ح ١٤؛ كنز العمال، ج ٣، ص ٦٨٨، ح ٨٤٧٠،

١٢ [دائره المعارف فقه مقارن، ج ٢، ص: ١٨٣،

١٣ [وسائل الشيعه؛ ج ١٢؛ ص ٢٣؛ ح ٧،

١٤ [دائره المعارف فقه مقارن ؛ ج ٢ ؛ ص ٤٨٦،

١٥ [همان ؛ ص ٤٨٦،

١٦ [همان.

١٧ [همان؛ ص ٤٨٧،

١٨ [دائره المعارف فقه مقارن ؛ ج ٢ ؛ ص ٤٨٧،

١٩ [بحار الانوار؛ ج ٩٣؛ ص ١٥٤؛ ح ١٩،

٢٠ [دائره المعارف فقه مقارن ؛ ج ٢ ؛ ص ٤٨٧،

٢١ [همان.

٢٢ [دائره المعارف فقه مقارن ؛ ج ٢ ؛ ص ٣٧٢،

[۲۳] همان؛ ص ۳۷۳

[۲۴] همان.

[۲۵] همان.

[۲۶] همان.

[۲۷] کافی، ج ۵، ص ۱۶۱، ح ۱

[۲۸] دائره المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۳۷۳

[۲۹] همان.

[۳۰] اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)؛ ج ۲؛ ص ۲۰۷

[۳۱] همان؛ ص ۲۰۸

[۳۲] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۴؛ ص ۸۳۹

[۳۳] همان؛ ص ۸۴۰

[۳۴] بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۳، ح ۶۳

[۳۵] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۴؛ ص ۸۴۰

[۳۶] دائره المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۱۹۹

[۳۷] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۳؛ ص ۶۴۱

[۳۸] همان؛ ص ۶۴۲

[۳۹] بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۹، ح ۲۰

[۴۰] دائره المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۴۲۰

[۴۱] همان.

[۴۲] تحف العقول، ص ۲۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۶۰، ح ۱۱۲ در كنز العمال)

ج ۳، ص ۴۹) در همین موضوع بابی تحت عنوان «الاقتصاد و الرفق فی المعیشه»
آمده است.

[۴۳] دائره المعارف فقه مقارن؛ ج ۲؛ ص ۱۸۳

[۴۴] همان.

[۴۵] کافی، ج ۴، ص ۵۳، ح ۶ در كنز العمال (ج ۳، ص ۴۹) آمده است: «ما عال

من اقتصد؛ تنگدست نشد آنکه میانه روی پیشه کرد.»

[۴۶] دائره المعارف فقه مقارن، ج ۲، ص: ۱۸۴.

[۴۷] بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی؛ درس خارج فقه؛ مسجد اعظم

قم؛ ۱۳۹۵، ۹/۲۴